

عليه اعدام

۴۵

مجازات اعدام
شنيع ترين
شكل قتل عمد
است



نشریه الکترونیکی کمیته
بین المللی علیه اعدام
Www.adpi.net

۲۲ سپتامبر ۲۰۰۶

جمعه ۳۱ شهریور ۱۳۸۵

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

Tel:0046733684151

babakshadidi@yahoo.com

سر دبیر: بابک شادی

برای نجات جان کبرا و لغو مجازات اعدام با تمام قوا به پیش



روز یکشنبه ۲ مهرماه
ساعت ۵ بعدازظهر، مقابل
دفتر سازمان ملل - خیابان
شریعتی بالاتر از حسینیه
ارشاد خیابان قبا بلوار
شهرزاد شماره 39

در میتینگهای اعتراضی بر علیه اعدام شرکت کنید صفحه ۲	در تجمع خانواده های محکومین به اعدام در مقابل سازمان ملل، شرکت کنید! صفحه ۲	متن مصاحبه رادیو شراره ها با پدر و مادر کبری رحمانپور و مینا احدی صفحه ۲	برای نجات کبرا رحمانپور پیاخیزید! صفحه ۷
سینا 18 ساله را از اعدام نجات دادیم کبرا را هم باید نجات دهیم صفحه ۷	هیچ کس نباید اعدام شود! به کمک خانواده های کبری رحمانپور، نازنین فاتحی و فاطمه حقیقت پژوه بشتابیم صفحه ۸	برای نجات جان کبری رحمانپور گوتنبرگ سوئد صفحه ۹	کمک کنید عزیزان ما از اعدام نجات یابند! خانواده کبرا رحمانپور خانواده نازنین فاتحی خانواده فاطمه حقیقت پژوه صفحه ۹
نامه دایی لاله سحرخیزان خطاب به مردم! ما چشم در برابر چشم نمیخواهیم صفحه ۹	یک اتحادیه کارگری در استرالیا در نامه ای به مقامات جمهوری اسلامی خواهان لغو حکم اعدام کبرا رحمانپور و پایان دادن به شلاق و سنگسار و سرکوب زنان شد صفحه ۱۰	هاله سیاه مرگ بر روی ماه زهره مشک آباد خرمشاهی صفحه ۱۰	<u>با امضای خود به این کمپین پیوندید!</u> http://www.petitiononline.com/kobra/petition.html

اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام مینا احدی

تلفن:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴
۱۳

ای میل:

minaahadi@aol.com

سایت کمیته:

www.adpi.net

میتوانند از طریق کمیته بین المللی علیه اعدام آخرین خیر و اطلاعات لازم، عکس محکومین به اعدام وضعیت پرونده آنها و... را دریافت کنند.

یک جبهه متحد و مدافع حقوق انسانی علیه اعدام میتواند شکل بگیرد و به میدان بیاید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
21 سپتامبر 2006

کرده و کاری کنند، که نه فقط جان محکومین به اعدام نجات یابد، بلکه یک صفحه درخشان، در ابراز نفرت و انزجار عمومی علیه قتل عمد دولتی و یک ابراز همبستگی جهانی با خانواده های محکومین به اعدام را به ثبت برسانیم. کمیته بین المللی علیه اعدام مفتخر است که در صف مقدم این جبهه مدافع حقوق انسانی ایستاده است. همه احزاب، سازمانها، تشکلهای و فعالینی که در دفاع از این کمپین برای پیشبرد هرچه باشکوه تر این تجمعات اعتراضی تلاش میکنند

استرالیا و ... سازمانهای مدافع حقوق انسانی و مخالف اعدام و اتحادیه های کارگری نیز فراخوان به تجمع و میتینگ اعتراضی داده اند. سازمان آزادی زن در بسیاری از شهرهای اروپایی فراخوان به برگزاری میتینگ داده است. در ترکیه چندین میتینگ اعتراضی با دخالت اتحادیه های کارگری احزاب سیاسی و سازمانهای مدافع حقوق انسانی برپا میشود. کمیته بین المللی علیه اعدام، از همگان دعوت میکند که در این تظاهرات فعالانه شرکت

در میتینگهای اعتراضی بر علیه اعدام شرکت کنید کمپین نجات کبرا رحمانپور به پیش میرود. در بسیاری از کشورها سازمانهای مدافع حقوق زنان، حقوق انسانی و احزاب سیاسی فراخوان به برگزاری میتینگهای متعددی داده شده است. از بسیاری از شهرها در سراسر جهان، از کشورهای اسکانندیناوی، کانادا، ترکیه، آمریکا و ... فراخوان برگزاری میتینگهای متعددی به دست ما رسیده است. علاوه بر سازمانهای ایرانی در کپنهاگ، مالمو، ترکیه،

شهرزاد شماره 39

کمیته بین المللی علیه اعدام

21 سپتامبر 2006

تلفن تماس:

00491775692413

www.adpi.net

اعلام کنید که کبرا رحمانپور و نازنین فاتحی و فاطمه حقیقت پروه باید فوراً آزاد شوند.

روز یکشنبه ۲ مهرماه ساعت ۵ بعدازظهر، مقابل دفتر سازمان ملل - خیابان شریعی بالاتر از حسینیه ارشاد خیابان قبا بلوار

خانواده ها را با کابوس اعدام و به دار کشیدن عزیزانشان تنها نگذارید. رو یکشنبه با در دست داشتن یک شاخه گل، در این تجمع شرکت کنید و اعلام کنید که خواهان لغو احکام اعدام در ایران هستید. در این تجمع

دفتر سازمان ملل در تهران تجمع میکنند. برای نجات جان محکومین به اعدام، برای نجات جان کودکان و نوجوانان و مادران و پدران محکوم به اعدام، در این تجمع شرکت کنید، کمیته بین المللی علیه اعدام از شما دعوت میکند، این

در تجمع خانواده های محکومین به اعدام در مقابل سازمان ملل، شرکت کنید!

روز یکشنبه، خانواده های کبرا رحمانپور، نازنین فاتحی و فاطمه حقیقت پروه بهمراه تعداد دیگری از خانواده های محکومین به اعدام در مقابل

خانم کبری رحمانپور چه بوده؟ فکر می کنید در چه وضعیتی است؟

خیلی وضعیتش خطرناکه از نظر من. و ما دوباره داریم یک سری اقدامات بین المللی انجام میدیم برای اینکه نجات پیدا کند. چون از نظر ما کبری خودش قربانی شرایط زندگی بوده که در آن میزیسته. او قربانی فقر، ناداری و در عین حال قربانی سیستم و شرایطی است که در ایران حاکمه در هر حال زندگی کبری را ما به زبانهای مختلف ترجمه کردیم، سرگذشتش از پخش کردیم در سایتهای سراسر دنیا و فعالیتهای خیلی زیادی در سرتاسر دنیا انجام دادیم برای اینکه کبری رحمانپور نجات پیدا کند. الان اسم

شکر کردم و خیلی خوشحال شدم
آقای رحمانپور وقتی کبری به دنیا آمد و از سر کار به منزل برمی گشتید چه احساسی داشتید آیا آینده ای اینچنین را تصور می کردید؟

پدر کبری: من فکرش را هم نمی کردم
الان پدرهای دیگری را که کنار دخترشان می بینید با هم توی یک خیابان راه می روند و باهم معاشرت می کنند در این لحظات آیا کبری را جلوی چشمتان دارید؟ چه حالتی دارید؟
پدر کبری: بله مسلماً دارم و جیگرم آتیش میگیرد آه می کشم و دلم می سوزد

خانم احدی شما اگر ممکنه بفرمایید اقداماتی که تا کنون صورت گرفته برای

شما وقتی که با همسرتان تنها می نشینید آیا جای خالی کبری را احساس می کنید در فضای خانه؟

پدر کبری: احساس یک پدر و مادر مگر غیر از این میتونه باشه
بیشتر چه صحنه هایی از دوران کودکی کبری به یاد می اورید؟ و در مورد آن با مادرش صحبت می کنید؟
پدر کبری: همه لحظه ها از بدو تولد برای پدر و مادر خاطره است. من فکر می کنم شما پدر و مادر هستید و متوجه می شوید
شما آن زمانی که کبری به دنیا آمد را به خاطر دارید؟ میشه توضیح بدید؟

پدر کبری: توی بیمارستان دو شب من کنار مادرش بودم. تا این بچه به دنیا آمد. آخر هم سزارین شد وقتی این بچه به دنیا آمد، اذان صبح بود من خدا را

خواهش داریم که کمک کنند این بچه را نجات دهند با کشتن این بچه آیا آن خانواده تسلاهی پیدا می کند، من نمی دانم آیا دردی از آنها دوا می شود؟ بارها ما درخواست کردیم، میگویند عذرخواهی نکرده. ما چطور باید عذر خواهی کنیم؟ مراضی به این امر نبودیم این وضعیت پیش آمده. این بچه گرفتار شده به بدبختی انداختندش، به این وضع افتاد. چه احساسی یک پدر میتونه داشته باشه جز اینکه من از همه دنیا التماس می کنم به داد این بچه برسند. از من گذشته من عمر خودم را کردم.

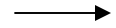
شما چند ساتونه آقای رحمانپور؟

پدر کبری: پنجاه و تقریباً سه چهار سال متولد 1331 هستم

متن مصاحبه رادیو شراره ها با پدر و مادر کبری رحمانپور و مینا احدی با سلام و شب بخیر به شما آقای رحمانپور پدر کبری رحمانپور و همچنین به شما خانم احدی، با سپاس از این که پذیرفتید با شما گفتگویی داشته باشیم. در رابطه با مشکلی که خانم کبری رحمانپور با آن روبروست پدر کبری: تمنا میکنم در خدمتتان هستیم

آقای رحمانپور من در ابتدا می خواستم شمه ای از احساس شما به عنوان یک پدر از وضعیتی که برای دخترتان پیش آمده برای ما و شنوندگان ما بیان فرمایید

پدر کبری: احساس یک پدر چه می تواند باشد وقتی دخترش زیر حکم اعدام است هفت سال ازگار به تمام دنیا ما چنگ زدیم که فقط



کبری رحمانپور از بسیاری از نهادها و دولت‌ها در سرتاسر دنیا می‌شناسند ، عکسش را در همه جا پخش کردیم و نامه های زیادی تا حالا گرفتیم. فقط در کشورهای مختلف اروپایی چند هزار نفر امضا کردند. طوماری را که ما پخش کردیم در همه جا برای اینکه اعتراض بشه به حکم اعدام کبری رحمانپور به خاطر همین برای ما بسیار مهمه نجات کبری. چون خودش الان تبدیل شده به یک سمبل ، اسمش و عکسش . این سمبل که هیچ دولتی حق نداره یک نفر را اعدام بکند. اعدام قتل عمد است و انسانها اصلا مخالف این قضیه هستند و در سرتاسر دنیا دارند اعتراض می کنند. الان ما یک بار دیگر متوجه شدیم که می‌گویند این که باید خانواده مقتول رضایت بده ، من خودم با شوهر قبلی کبری صحبت کردم به صورت تلفنی ، همچنین با برادرانش در آمریکا. الان راه برای ما بسته است. آنان همگی طرفدار اعدام هستند و ما بار دیگر متوسل می شویم به مردم در سرتاسر دنیا و یک بار دیگر می‌گوییم فقط بیست روز وقت داریم کمک کنیم که کبری را نجات دهیم

خانم احدی اگر بستگان همسر سابق کبری رضایت بدهند این مسئله منتفی است ، اگر رضایت ندهند چه کانهایی وجود دارد که بشه اقدامی کرد ؟

الان دیگه این یک قانونیه که به هر حال در ایران هست و این قانون مربوط به قرون وسطی است که وقتی اتفاقی اینجور می افتد خانواده مقتول باید تصمیم بگیرند . چون بالاخره آنها یکی را از دست داده اند و تحت تاثیر احساسات یا مسائل مختلف ممکنه تصمیم بگیرند که طرف مقابل اعدام بشه . الان راه در حقیقت بسته شده و فقط از طرف حکومت ایران گفته میشه که باید ببینیم آن خانواده مقتول چه می گویند . ما فکر می کردیم آن دو نفر از برادران که در آمریکا هستند مخالف اعدام باشند ولی من با آنها صحبت کرده ام و دیدم اینطور نیست . خب همه راهها بسته شده ،

بر اساس حرفی که حکومت میزند . ما الان تنها راهی که داریم به نظر من این است که مردم بیایند در خیابان و اعتراض کنند . و مردم به کمک کبری بشتابند و تنها اعتراض به دولتی که کبری را در زندان نگه داشته و در زندان را بسته که او نمی تواند بیاید بیرون ، همان دولت میتواند حکم اعدام را لغو کند ما هم قبلا از این کارها انجام دادیم و نتیجه را دیدیم که وقتی مردم اعتراض کنند و دولت ناظر اعتراض دنیا ، مجامع حقوق بشر ، پارلمان اروپا و سازمان ملل باشد ، این حکم لغو می شود و کبری می تواند آزاد شود

آقای رحمانپور اگر این گفتگو را برادرهای همسر سابق کبری بشنوند چه پیامی برای آنها دارید

پدر کبری : من از آنها خواهش می کنم برای خاطر انسانیت ، بشریت و هر چیزی که معتقدند بگذرند از این بچه . ما نمی‌گوییم کار خوبی کرده ولی به آن خدا قسم برادر آنها این بساط را درست کرد . برادر اینها نامردی کرد ، خودشان هم می دانند . بچه من مقصر نبود . بچه ای بود که مدرسه می رفت . اون را گول زدند توسط خاله اش ، به این بدبختی کشاندندش . قرص خواب ، قرصهای مختلف به این بچه خوردند و نمی دانم مصیبت‌هایی به سر این بچه درآورد و به این جا کشاندش .

میشه یک مقدار توضیح بدید از آن وضعیتی که کبری پشت سر گذاشت تا به این جا رسید ؟

پدر کبری : اصلا قابل توصیف نیست . آدمی که قبلا توی ساواک بوده آمد خودش را مهندس کشاورزی جا زد . با دروغ و ریا این بچه را فریب دادند با خاله اش . خاله اش را هم راضی کردند که ما مجوز آمریکا برایت می گیریم ، پاسپورت آمریکا برایت می گیریم . او هم این بچه رو مخش رو زد . من هم یک آدم کارگر ، پنج صبح می رفتم و نه شب می آمدم خونه . این بچه رو وادار کرد تو روی من ایستاد ، خودش رو به این دام انداخت ، گرفتار کرد . نمی دونم چه بلاهایی سر این بچه در نیآوردند تا به این جا کشاندندش . اخر این بچه

قاتل بالفطره نبوده . من نمی دونم یک بچه ای که فقط مدرسه رو دیده چه می فهمه چه می دونه ؟ اون وقت یک آدم دوره دیده ساواک ببین چه نمی دونم دیگه چی بگم

آقای رحمانپور شما از وقتی که کبری به زندان افتاده او را ملاقات کرده اید ؟

پدر کبری : من الان حدود یک سال یا بیشتره بچه ام را ندیدم . چون نمی تونم یعنی اگر کار نکنم نمی تونم زندگی شون رو بچرخانم . اگر بخوام کارم را یک روز لنگ کنم ، کارم را از دست می دم . یعنی اگر یک روز کار نکنی فردا دو نفر گشنه تر از خودت جایت رو گرفتند . ولی این مادرش مرتب بهش سر می زنه .

به مادرش چی می‌گه ؟ بالاخره اون چیزایی که به مادرش منتقل کرده ، احساس و وضعیت روحی که داره ، مادر وقتی با شما صحبت می کنه چه چیزهایی منتقل می کنه به شما

پدر کبری : ببینید، کبری روحیه اش ... کبری دیگه چیزی نداره ، از یک بچه مدرسه ای چیزی نمانده . یک سالی هم که تو خونه این زندگی کرد با بدبختی و فلاکت تر از بدبختی‌هایی که با ما داشته . از نظر روانی داغونه ، دیگه چی میتونه داشته باشه

اگر طبق چیزی که خانم مینا احدی می فرمایند ، می‌گویند که بستگان سابق همسر کبری رضایت ندهند تنها راهی که باقی می ماند اعتراض کردن به این قانون در سطح به اصطلاح دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران است . شما فکر می کنید که مردم ، مایی که در خارج از کشور هستیم چه کار می توانیم بکنیم برای اینکه بتوانیم فریادرس شما باشیم

پدر کبری : من از تمام دنیا تقاضا دارم جلوی این حکم بایستند. چرا؟ برای اینکه قاضی که این حکم را داد واقعا جبهه گیری کرد در مقابل بچه من ، روز اولی که من به دادگاه رفتم این مرد به من توهین کرد و من جوابش را دادم

چه توهینی کرد ؟

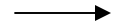
پدر کبری : ببینید بیست نفر در اطاق بودند به من دری وری گفت . بگفتم ببین تو خودت وضع من رو نمیدونی آدم بی فهم ، کی به تو گفته قاضی که جلوی بیست نفر آبروی من رو میبری برای چی؟ از همون موقع جبهه گیری کرد در برابر پرونده این بچه و کار را به اینجا رساند . اگر واقعا پرونده را بررسی می کردند می دیدند بچه من مقصر نبود. اگر خون بیاد یک جور میخوای سروته اون رو هم بیاری و بری. چه طور میشه یک بچه یک نفر را بکشه خیلی خونسرد و راحت ، اگه جنون نباشه چی میتونه باشه . اگه دیوونه شدن نباشه چی میتونه باشه؟

خانم احدی به لحاظ حقوقی ، طبق قوانینی که جمهوری اسلامی ایران داره آیا این امکان برای آقای رحمانپور وجود داره که یک قاضی دیگر مسئول بررسی این پرونده بشه ؟

مینا احدی : ابدارها برای این پرونده عملا بسته است . اصلا مساله سر این است که با وجود اعتراضات بین المللی و با وجود نامه های زیادی که رفته ، با وجود هزاران نفر که گفتند و امضا کردند . توی ایران این موضوع مهمیه شما می تواتید از آقای رحمانپور بپرسید که چه طوری روزنامه ها در موردش نوشتند و چه طور این مردم استقبال می کنند از اینکه کبری آزاد بشه. خانواده اش توی حلقه محبت مردم زندگی می کنند مادر و پدرش این را دیده اند و می توانند بگویند . به هر حال اعتراضات ، خیلی گسترده است. شاید مثلا در برابر این داره مقاومت میشه . من روی این تاکید می کنم و اصرار می کنم که الان تنها راهی که برای ما مانده با توجه به سیستم قضایی توی ایران با توجه به همه حرفهایی که زدیم همینه که مردم بیایند و بخواهند که کبری آزاد بشه. یعنی اگر طومار امضا می کنند ، اگر جمع می شوند و اگر نامه ای



مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است



می نویسند باید بگویند کبری را نه فقط نباید اعدام کرد بلکه باید فوراً آزاد بشه . او به اندازه کافی عذاب کشیده . چند سال توی زندان بوده و اگر این فشارها باشه به نظر من مجبور می شوند عقب نشینی بکنند و پا روی قوانینی بگذارند که خودشان اعلام کردند و ما این موارد را دیدیم الان تنها راه اینه که وسیعا و متحداً در ایران و در دنیا ما در طول ده پانزده روز آینده کارهایی بکنیم که دیده بشه و این کارها میشه که حکومت عقب نشینی کنه و کبری را آزاد کنه

خاتم مینا احدی آیا این امکان وجود داره که شما در یک روز مشخص به همراه آقای رحمانپور و مادر کبری و آتھایی که در داخل هستند ، همسایه ها ، هم محلی ها که این وضعیت کبری را شنیده اند ، این وضعیت به گوش همه برسد . در یک روز ، در یک زمان ، یک حرکت اعتراضی صورت بگیره و خواهان آزادی کبری بشوند ؟

مینا احدی : حتما باید این کار را بکنند . کبری نامه ای نوشته و تقاضا کرده تو نامه هم همین را گفته که نجاتم بدید . چون اون دیگه دستش به هیچ جا بند نیست و میخواد که سریع نجاتش بدهند و این نامه حتما کم کم میاد روی سایتها و این خودش تبلیغی هست برای این که مردم خبردار بشوند که اوضاع چقدر حساسه . در عین حال باید صحبت کرد ، باید دید چه چیزی و چه حالتی در ایران توی روزنامه ها بزنند و توی رسانه ها که مردم امضاء کنند . و اینکه یک روزی پدر و مادرش ، همسایه ها و فامیلها با عکس کبری بروند یک جایی بایستند و بگویند که کبری نباید اعدام بشه ، و مردمی که طرفدار این موضوع هستند می توند اون جا جمع بشوند . تا آنجا که به خارج از کشور بر می گرده ما تظاهرات های وسیعی را سازمان خواهیم داد ، در کشورهای مختلف از جمله در شهر شما استکهلم یا در بوتوری یا در شهرهای مختلف آلمان ، آمریکا ، کانادا و سعی می کنیم در اتریش و سوییس تظاهرات سازمان دهیم . در مورد روزش هم صحبت می کنیم از

جمله سی شهریور میتونه باشه یا بیست و دو یا بیست و سه سپتامبر . بگویم که همه جا مردم بیابند توی خیابونها . شبهای همبستگی با کبری رحمانپور را سازمان میدهیم و در عین حال ملاقات و مذاکراتی خواهیم داشت با اتحادیه اروپا که بتونیم از همه توان و نیرویمان استفاده کنیم .

آقای رحمانپور شما حاضر هستید برای نجات جان دخترتان در کنار سایرین که این اعتراض را می کنند و خواهان کمک به دختر شما هستند به عنوان یک پدر شرکت کنید ؟

پدر کبری : مسلمه که حاضریم . من از همه چیز می گذرم ، حتی از جانم حاضریم بگذرم

این البته خطر جانی برای شما نداره ولی اگر شما پیش قدم باشید و جلو بیافتید و سایرین را ترغیب بکنید و تشویق بکنید که پشت سر شما بیابند و توی این حرکت باشند ، مطمئن باشید که این می تونه تاثیر بگذاره . من میخواستم آقای رحمانپور اگر ممکنه یک صحبت کوتاهی هم با همسرتان داشته باشم

مادر کبری : سلام . حال شما خوبه از شما تشکر می کنم

ما همانطور که شما شاید شنیدید پای تلفن همزمان خاتم احدی را هم کنار خودمان داریم که پیگیر موضوع و قضیه کبری بوده اند از ابتدا . در این رابطه کمکهای بسیار زیادی را به سایر کسانی که وضعیت مشابه کبری را داشته اند انجام داده ، تجربه دارند و کمکهای بسیار زیادی را داده اند که تاثیرات بسیار خوبی داشته است . من می خواستم از شما به عنوان مادر کبری احساسات را بپرسم وقتی که به کبری فکر می کنید یاد چه دورانی از کبری می افتید ؟

مادر کبری : همیشه به فکرش هستم . فقط گریه می کنم به یاد بدبختیهایم ، گرفتاریهایم نتوانستم هیچ کاری برای بچه ام بکنم . اگر بچه من یک زندگی راحتی داشت هیچ وقت همچین مشکلی برایش پیش نمی آمد . مگه من اجازه می دادم که زن

یک پیرمرد بشه . اصلا اون که شوهرش نبود فقط یک صیغه محرمیت بود عقدنامه نداشتند . فقط می خواستند اخلاق هم را به دست بیاورند . تو اون خونه چون یک بچه 13 _ 14 ساله داشت که چند سال از کبری کوچکتر بود . دختر من 18 _ 19 ساله بود که رفت خونه اون . 20 سالگی دستگیر شد و افتاد توی زندان . یاد این می افتم که نتوانستم آسایش بچه ام را فراهم کنم . نتوانستم تحصیلاتش را فراهم کنم خیلی دلم می سوزه ، خیلی ناراحتم

فکر می کنید دلیل اینکه شما نمی تونستید کاری برای کبری بکنید اگرچه دلتون می خواست چه بوده

مادر کبری : فقط وضع مالی ، فقط وضع اقتصادی

شما پیامتان برای مادرهایی که وضعیت مشابه شما را دارند ، از وضعیت مالی بدی برخوردارن ، دخترهای مشابه شما را در خانه هایشان دارند ، توی آن جامعه چیه ؟

مادر کبری : بچه هایشان را درک کنند . هر کاری برای بچه هاشون از دستشون بر میاد انجام بدهند ، کوتاهی نکنند . با آنها کنار بیابند و با آنها دوست باشند . نه فقط مادر و پدر باشند ، همدل و همزبان باشند با بچه هاشون . ما فقط فکر کار بودیم . به هیچ جا هم نرسیدیم ، نتوانستیم هیچ کاری برای بچه هامون بکنیم

ما الان با آقای رحمانپور که صحبت کردیم به این نتیجه رسیدیم که در کنار صحبتی که خاتم احدی کردند که یک روز را تعیین بکنیم و در داخل و خارج از کشور یک تجمعی داشته باشیم و اعتراض کنیم به حکمی که صادر شده برای کبری و خواهان آزاد شدن او باشیم همانطور که شما گفتید وضعیتی که شما دارید و وضعیتی که کبری پشت سر گذاشته ، وضعیتی که این جامعه بهش تحمیل کرده و او کسی نبوده که به قول آقای رحمانپور از بدو تولد فطرتاً چنین انگیزه ای توی ذهنش بوده باشد . شما حاضر هستید در آن روزی که تعیین میشه در کنار همسرتان برای نجات جان کبری در کنار دیگران که خواهان آزادی

کبری هستند قرار بگیرید و اعتراض بکنید ؟

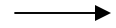
مادر کبری : مسلمه . هرچی بخواهند حاضریم هرکاری ازم بر بیاد برای آزادیش انجام می دهم از مردم خارج از کشور می خوام که از آنها بخواهند که رضایت بدهند برای بچه من با آنها صحبت کنند

شما خودتان چه پیامی دارید برای آنها که اظهار رضایت بکنند ؟

مادر کبری : دلم می خواد ببخشند دختر من رو به بچه گیش ببخشند در وضع خیلی بدی تو خونه ی برادر و مادرشون سر کرد . خیلی اذیت و آزار شد . آنها به این وضعیت و جنون رسوندندش . فرصهای متفرقه می داد به بچه من میخورد هر دفعه می رسید به خونه ما بیهوش بود می گفتم علیرضا چرا بچه من بیهوشه مگه از نیاوران تا شهری چه قدر راهه . گفت قرص اعصاب می خوره گفتم بچه من هیچ وقت قرص اعصاب نمی خورده گفت من براش گرفتم . همیظوری بدون اینکه دکتر ببرش از داروخونه که آشنا بوده قرص متفرقه می گرفت بهش می داد بچه من رو قرص خور کرده بود . یکسره تو خونه اش فقط کار بود و کار یعنی اگر یک کلفت توی خونه کسی کلفتی کنه عزت و احترام داره ، اما بچه من نداشت . آخه شماها کردین . برادرش که در آمریکان میدونن ، مادر و برادرش را می شناسند ولی تاکید دارند که فقط کبری باید اعدام بشه . آخه شما که اونطرف آب زندگی می کنید باید روشنفکر باشید . شما که باید دیدتون بیشتر از ما باز باشه مثل ما نیستید که تو جنوب تهران زندگی کنید شما ، فرهنگتان بالاست شما که باید درک کنید که برادر شما با آن سن بالا چه کار کرد با بچه م

خاتم رحمانپور شما که فکر میکنید مردمی را که صدای شما را می شنوند باتوجه به وضعیتی که دختر شما پشت سر گذاشته ، قرص می خورده و در وضعیت





و در وضعیت مالی بد یک خانواده تنگ دست زحمت کش مثل شما بزرگ شده، خانواده ای که پدر و مادر کارگر بودند و از صبح تا شب کار می کردند و فکر می کردند شاید یک درجه ای باشه برای بهبود زندگی دخترشان، تن به این کار به اشتباه می دهند، شما فکر می کنید مردم چه فکر می کنند در مورد برادرهای شوهر سابق کبری اگر رضایت ندهند

مادر کبری: من نمی دونم مردم چی فکر می کنند، نمی تونم در مورد مردم حرف بزنم. همیشه با هرکی حرف می گویند اینها باید گذشت کنند. جای اولادشانه. جای نوه آن خانم بوده. یک اتفاقی بوده نباید میشده، نباید میافتاده، افتاده. حالا باید گذشت کنند و الان من هفت ساله میرم زندان، خیلی گذشت می بینم. اتفاقات افتاده، رضایت دادند، چند سال زندانی کشیدند، آزاد شدند و رفتند. گفتند: بقیه اش با خدای خودشان و آن دنیا. شما هم بیا بیا گذشت کنید. به خدا لذتی که در بخشش هست در انتقام نیست. به خدا کبری را اعدام کنند، خودشان آرامش ندارند. نگویند ما را نابود می کنند

خانم رحمانپور شما در ملاقاتهایی که با کبری داشتید چه صحبتهایی می کرد؟

مادر کبری: سه نفر سن بالا دختر من را اغفال کردند، مغزش را شستشو دادند. میگه مادر من پشیمانم، کاش به حرف تو گوش کرده بودم، کاش با همون زندگی سخت شما ساخته بودم. من نمی دونستم زندگی آنهایی که وضعشان خوبه، بالای شهر زندگی می کنند، این طور ما را خوار و خفیف می کنه. من اگه میدونستم تن به این زندگی نمی دادم. تو این یک سال و خورده ای له شدید زیر پا. پشیمون بود ولی پشیمونی چه سودی داره. حالا که دیگه خدا می دونه درب و داغونه، شده پوست و استخوان، تمام دندانهای کرسی اش پوسیده. چون حکم اعدام داره

یک اعزام به بیرون نداره که بیاد دندونش رو حداقل با خرج خودمون درست کنه. میگویند هرکی دندونش خرابه باید بکشه، زندانه، برای همه همینه. آنهایی که حکم قصاص ندارند، میتونند بیرون بروند، هفته ای یک دفعه. می تونند دکتر و دوا کنند ولی دختر من زیر قصاص و اعدامه، مرخصی نداره. بچه من داره از بین می ره. هفت ساله دیگه از بین رفت، هیچی ازش باقی نموند.

همسایه ها چی میگویند؟

مادر کبری: تا موقعی که ما در محل خودمون بودیم همه دلداریمان می دادند، می گفتند خدا بزرگه، انشاء الله راضی می شوند. همه امیدشان به رضایت شاکیان بود.

شما میدونید که خانم احدی که پشت تلفن هستند و صحبت خواهند کرد در این رابطه فعالیتها ی زیادی کرده و زحمات بسیاری کشیده اند.

مادر کبری: تشکر دارم از خانم احدی و سازمانهای بین الملل

شما فکر می کنید اگر خانم احدی بخواهند پیام شما را به مقامهای اتحادیه اروپا برسانند، شما اگر آنجا توی آن پارلمان بودید به نماینده های پارلمان چه می گفتید

مادر کبری: از همه دنیا واز همه سازمانها بی که به کبری کمک کردند تشکر میکنم. از خانم احدی بسیار ممنونم که ما را همراهی و کبری را کمک کردند البته از آقای شاهرودی ممنونم که حکم اعدام دختر من را دو بار متوقف کردند.

ولی شما میدانید که همچنان این حکم بر سر جای خودش باقی هست و میتونه دو هفته دیگر به اجرا در بیاد در این رابطه میدونید که خانم احدی برای ارتباط گیری با پارلمان اتحادیه اروپا می خواهند دست به اقدامات دیگری بزنند. خانم احدی اگر که ممکنه بفرمایید که در داخل

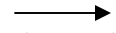
کشور به لحاظ حقوقی مادر کبری میتونه به همراه پدرش اقدام حقوقی دیگری انجام بدهند که ندادند؟ چه کار دیگری می توان کرد به غیر از حرکت اعتراضی؟

مینا احدی: نکته ای که بهتره بگم اینه که هیچ وقت نباید مادر کبری خودش رو مقصر بدونه هیچ وقت نباید خانواده کبری این فکر را بکنند ما چه کار کردیم چرا اینطوری شد یا حتی خود کبری. همیشه باید فکر کنند که اینها زندگیشون رو که داشتند می کردند دارند و این که مادر کبری یک پسر معلول هم در خانه داره و او و پدرش تمام مدت زحمت کشیده و کار کرده اند. آنها باید متوجه باشند که با توجه به شرایط سختی که الان تو زندگیشون هست بار این عذاب وجدان هم روی سرشان نباشه. چون واقعا اگر آدم دقیق نگاه کنه مادر و پدر کبری هیچ تصویری نداشته اند بلکه شرایط زندگی مزد کم پدرش که از صبح تا شب کار می کرده، فشارهای مختلف، انواع قوانینی که توی اون مملکت وجود داره. خود کبری درس خونده و درسش هم خیلی خوب بوده ما با معلمین قبلی کبری تماس داریم و این پرونده را به ابعاد مختلف پی گیری می کنیم خیلی آدم دوست داشتی بوده، میخواست به بره دانشگاه یعنی این هدف رو داشته و خیلی هم زحمت می کشیده ولی شرایط زندگی اجازه نمیده.

پدرش چه کار کنه جز اینکه دوازده ساعت میره سر کار مگه بیشتر از این میشه کاری کرد وقتی درآمدش کمه و شرایط زندگی اینجوریه، بچه ای که تو این خانواده بزرگ میشه نمیتونه بره دانشگاه. اینها مشکلاتیه که به اون جامعه، به اون شرایط و به اون سیستم برمی گرده دوست داشتم این را بگم که مادر کبری توی این شرایط سخت یک فشار دیگه هم روی سر خودش نداره. همیشه باید برگشت و نگاه کرد که چه شرایطی و چه مشکلاتی بوده. ما در مورد کبری و زندگی اش در سطح بین المللی خیلی تبلیغات کردیم و همیشه گفتیم که فقر، بیحقوقی و ستم در آن جامعه باعث شد زندگی کبری به اینجا برسه. وزمانی که میره خونه یکی دیگه، آنجا هم قوانین مرد سالار

و اینکه نمیتونه به جایی متوسل بشه و بگه که از طرف یک پیرزن و مردی که از پدرش هم بزرگتره مورد آزار قرار می گیره، کتک می خوره و تو خونه کسی نیست که به داد اون برسه. به هر حال می خوام بگم اینها همه مشکلات اجتماعی است و مادرش باید مدعی باشه و کمتر فشار روی خودش بیاره با توجه به همه این اتفاقاتی که افتاده ما چند ساله که داریم پرونده کبری را پی گیری می کنیم می خوام مادرش این را بشنوه که در سطح دنیا کبری یک شخصیت شناخته شده و یک سمبل و یک چهره محبوبه میلیونها نفر در دنیا کبری را می شناسند و مخالف اعدامش هستند. تنها راهی که برایمان مونده همینه. تو ایران با توجه به مجموعه اوضاع و قوانین همه راهها رسیده به اینکه باید خانواده مقتول رضایت بدهند و آنها رضایت نمی دهند. آنها بحثهای خودشان را دارند در عین اینکه می گویند در مطبوعات علیه ما خیلی صحبت شده یا کبری باید معذرت خواهی کنه. ما داریم بحث می کنیم و جواب میدهیم ولی در مجموع مخالفند و می خواهند این حکم اعدام اجرا بشه. وقت نداریم برای جر و بحث کردن با این خانواده. چهار سال است که داریم این کار را می کنیم و در عین حال من فکر می کنم اساس مسئله روی حکومت است و فشار را روی آن باید گذاشت. همین حکومتی که در زندان را قفل می کنه و کبری رو هم در آن نگاه داشته، زیر فشارها می تونه در زندان را باز و کبری را آزاد کنه. قبلا هم این موارد را داشته ایم. الان به نظر من تنها راه همینه، از مردم خواست بیایند توی میدان چه در ایران چه در سطح بین الملل. توی ایران من فکر می کنم مردم یک طومار را امضاء کنند نه فقط در تهران حتی در شهرستانها، بروند یک جا جمع شوند. زمانی که خودشان مناسب بدانند یا اینکه خانواده کبری بگویند. در سطح بین





الملل ما کار خودمان را می کنیم امیدوارم نتیجه این باشه که کبری یک روز از زندان آزاد بشه

خانم احدی شما می دانید که با توجه به فعالیتهایی که شما در خارج از کشور داشتید به خصوص در کمیته بین المللی اقدام علیه اعدام که کمیته شناخته شده ای است در مجامع دفاع حقوق بشر و در سطح سازمان ملل و دیگر ارگانهای اتحادیه اروپا در کنارش هستند ، کسانی که تحت تاثیر این شرایط و فعالیت ها ، آنها هم به سهم خود دارند ، صدای کبری را از طریق هنر خودشان به گوش مردم برسانند و خواهان برچیده شدن این گونه قوانین هستند . در کنار این خواننده ها کسانی مثل خانم رامش هست که علیه سنگسار خوانده ، آقای داریوش هست آقای شهریار قنبری هست ، ابی هست ، سیاوش قمیشی هست . آیا فکر می کنید که خانم رحمانپور ، مادر کبری پیامی داشته باشه برای اینها ؟ اینها به عنوان هنرمندان متعهد باید در کنار این حرکت اعتراضی همدردی خود را نشان بدهند در کبری و امثال کبری ها و پدر و مادر کبری و این کمپین که شما به راه انداختید قرار بگیرند ؟ فکر می کنید مثبت است که چنین پیامی داده بشه به اینها

مینا احدی : خیلی به نظرم مثبته شاید مادر کبری خبر نداشته باشه که ما در سطح دنیا بارها شب همبستگی با کبری را اعلام کردیم بارها عکس او را بزرگ کردیم و بردیم تو شهرها و تظاهرات مختلف سازمان دادیم اسم کبری برای همه شناخته شده است و برای همین هنرمندانی هم که شما می گوید برای خودم خیلی جالب است وقتی می روم پارلمان اروپا اسم کبری رحمانپور را می گویم فلان نماینده پارلمان که مثلا از بلژیک است اسم او را شنیده و با وجود آنکه اسمهای فارسی خیلی سخته ولی این اسم برای او آشناست و خصوصا

عکسش که برای خیلیها آشناست توی مرکز شهر کلن که تظاهرات بود یک نفر عکس را که دید گفت من این را می شناسم ، سرگذشتش را همین می شناسم خب اینها نمونه هایی است که نشان می دهد کبری چه قدر معروفه توی دنیا و چطور مردم می خواهند کمکش کنند . من از همه هنرمندانی که شما اسم بردید خواهش می کنم . میتونند یک شب همبستگی با کبری سازمان بدهند و مردم را دعوت کنند . جمعیت زیادی میتونه بیاد اونجا و امضا کنند . آنجا بخوانند و پول جمع کنند برای کمک به این کمپین ما به هر نیرویی احتیاج داریم . برای خود من هفته آینده کار روی پرونده کبری است برای نجات او . با توجه به امکاناتی که داریم و با توجه به آشناییهایی که کمیته علیه اعدام در سطح بین المللی دارد میتواند این حرکت بزرگ را سازمان بدهد از همگان دعوت می کنم توی این حرکت به ما کمک کنند تا هم بتونیم کبری را نجات بدیم و هم یک جنبش علیه اعدام راه بیندازیم .

خانم رحمانپور شما برای خوانندگان داریوش و ابی چه پیامی دارید برای حمایت کردن بدون وقفه اینها از این کمپین و همکاری با کمیته بین المللی علیه اعدام که در این کارزار فعالیتهای حمایتی میکنند و کبری را نجات میدهند؟

مادر کبری : هر کاری از دستشون بر میاد برای دختر من انجام بدن . هر کاری در توانشون هست برای دختر من کوتاهی نکنند. اون هم یک ایرانیه فقط آزادیش رو میخواد فقط به آزادی کبری فکر می کنیم . بچه من تو زندان داره آب میشه هیچی ازش باقی نمونه برادر کوچیکش تلفنی میگه پس آجی کی بر می گردی ؟ فقط آرزوی آزادی کبری را داریم ازتون ممنونم

من هم از شما سپاسگزارم
مادر کبری : تورا به خدا کمکش کنی آزاد بشه
مردم پشت شما هستند . به شما کمک می کنند آزاد شه و حمایت می کنند

مادر کبری : از شما بسیار متشکرم کبری من را تنها نگذارید

حتما. زحمات اصلی را خانم احدی می کشند و کبری را تنها نمی گذارند . من به شما شب به خیر میگم و گفتگو را با خانم احدی ادامه میدهم. خانم احدی می بخشید، صحبتی بود که باید با پدر و مادر کبری می کردیم و کمتر از موهبت گفتگو با شما برخوردار بودیم

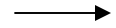
مینا احدی : خواهش می کنم به نظر من این گفت گو خیلی خوب بود . من دوست داشتم بیشتر صحبت بکنم چون خانواده ای هستند که در طول هفت سال گذشته خیلی اذیت شدند، برای خودشان هم فرصتی که حرفهایشان را بزنند و فکر کنند که تنها نیستند چون خیلی سخته شرایطی که الان آنها توش گیر کرده اند و در عین حال خود کبری که احساس می کنه لحظه به لحظه به روز اعدام نزدیک میشه . برای یک پدر و مادر واقعا غیر قابل تصوره خیلی خوب بود که این امکان رو داشتند که صحبت کنند

خواهش می کنم . خانم احدی با توجه به اینکه یک تعدادی از زندانیان از جمله زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی سربیه نیست شدند، آیا فکر نمی کنید خطر اعدام کبری بیش از پیش باشد . با توجه به اینکه یک سری تحولات و موج جدیدی در زندانها مجددا در زندانها داره آغاز میشه و میتونه شامل حال کبری یا محکومین قصاص بشه و جمهوری اسلامی که در وضعیت بین المللی، رژیم دست به عقب نشینی زده بود باز به حالت اولش برگرده و این اقدام را عملی کند؟

مینا احدی : به طور واقعی جمهوری اسلامی الان داره همین کاررا میکنه یک نفر در یکی از روزنامه های ایران در مورد کبری نوشته بود که آیا همه اقدامات بین المللی بی نتیجه می ماند ؟ این سوالی است که سعی می کنند ایجاد کنند با مقاومت کردن در برابر اعتراضهای اعدامهای کبری شهلا جاهد و حتی دلارا دارابی. ما این موارد را تا آنجا که به اعدام برمی گرده و احکام اعدام

جوانان ونوجوانان. ما توی ایران شاهد هستیم جمهوری اسلامی درست یک روز بعد از اینکه فیض مهدوی در زندان فوت کرد دو نفر جوان را به نامه های ستار و مهدی 20 و 23 ساله را در زندان اوین اعدام کرد. این حکومت با وحشی گری داره اعدام میکنه و تا آنجا که به احکام اعدام برمی گرده سرو صدای بین المللی در موردش برپا شده مثل دلارا دارابی دختر جوان 18 ساله ای که هرکس عکسش را ببینه نمیتونه تصور کنه که اون کسی رو به قتل رسونده . باتوجه به اینکه وکیلش معتقد اون قتل رو انجام نداده ، با وجود نامه عفو بین الملل ، اعتراضات بین المللی اعتراض کمیته علیه اعدام ، مجددا حکم اعدام او و شهلا جاهد رو تایید کردند. حکم اعدام کبری را نه تنها تایید کردند بلکه برای اجرایش زمان تعیین کردند یک ماه فرصت دادند که اگر خانواده مقتول رضایت ندادند حکم اجرا بشه . ما از این یک ماه ده روزش را از دست دادیم بیست روز دیگر میخواهند کبری را اعدام کنند به نظر من جمهوری اسلامی اصرار داره نشون بده که با توجه به موج اعتراضات بین المللی و داخلی عقب نشینی نمی کنه و در نهایت سیاستهایی که از آن نام بردید، سرکوب خشن توی زندانها و اتفاقات اخیری که اخیرا افتاده باید کنار هم گذاشت و به همین خاطر فکر میکنم که این کمپین میتونه خیلی مهم باشه به خاطر اینکه کبری در ستاسر دنیا شناخته شده است، روی پرونده اش چهار ساله داریم کار می کنیم و زمینه این رو داره که تبدیل بشه به یک حرکت گسترده و متحد بین المللی و داخل ایران . من فکر می کنم که در هر تظاهراتی که می گذاریم حتما باید در مورد همه اعدامها صحبت کنیم، جمهوری اسلامی را محکوم کنیم . اعدام زندانیان سیاسی و شرایط ایران را میشه تو این تظاهرات پیش برد و زمینه وجود داره که کمپین گسترده بشه و مردم خیلی بیشتری در این تظاهرات شرکت کنند





در هر حال ما امیدواریم که بتوانیم در این رابطه با شما همگام باشیم در اقداماتی که در دستور کارتان دارید و گردهمایی که حتما منتظر فراخوانش از سوی شما هستیم . به امید آنکه در گفتگویی که داشتیم هنرمندان مردمی ما با این کمیته همیار باشند و بتوانند در کارهای اجتماعی هم حضور گسترده ای داشته باشند و مردم بیشتری را به صحنه بکشند .

مینا احدی : من هم از این فرصت

استفاده می کنم و از همه کسانی که با هم ارتباط دارند و هنرمندانی که شما با آنها تماس دارید این موضوع را مطرح کنید و از آنها بخواهید حتما این کار را بکنند. در هر شهری همه کسانی که علاقه مند هستند چه سازمانها نهادها و حتی شخصیتها میتوانند همه با هم فراخوان تظاهرات را برای نجات جان کبری بدهند ، برای اقدامات دیگر تصمیم بگیرند در این حرکت هر چه بیشتر دخالت انجام بشه و نیروهای بیشتری داخل بشوند موثرتر واقع میشه . در شهری که شما در آن هستید خود شما

می توانید موثر باشید . شخصیتها و نهادهایی که آنجا هستند و مخالف اعدامند می توانند همه با هم یک فراخوان را امضا کنند . جمعیت زیاد و امضاهای زیاد در قدرت این حرکت خیلی تاثیر دارد من امیدوارم که در روز تظاهرات هزاران نفر جمع پیدا کنند اگر بتوانیم چند هزار نفر را در جلوی پارلمان یا سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم جمع بکنیم و تقاضا بکنیم که ملاقاتی با مقامات دولت سوئد انجام بشه و نامه ای اعتراضی خوانده بشه مطمئنم که جمهوری اسلامی مجبور به عقب

نشینی میشه و اگر این اتفاق تو شهرهای مختلف بیفته به خصوص در ایران چند هزار نفر را با عکسهای کبری و خواست آزادی او در خیابانها سازمان بدیم ، مطمئنا نه تنها حکومت عقب نشینی می کند، نه فقط کبری آزاد میشه بلکه جنبش دفاع از حق حیات گام به گام به جلو میره

با تشکر از اینکه در مصاحبه ما شرکت کردید

با تشکر از بابک فرمند که این متن را در اختیار نشریه علیه اعدام قرار داد

شمارش معکوس برای اعدام کبرا رحمانپور آغاز شده است . کبرا را امروز در ایران و در دنیا ، میلیونها نفر می شناسند. کبرا در زندان اوین ، بیش از شش سال است که با طناب دار دست و پنجه نرم میکند. دختر جوانی که قربانی ستم و بی حقوقی و قوانین زن ستیز اسلامی در ایران شده است . خودش میگوید هیچکس نمیتواند تصور کند زندگی با کابوس مرگ چقدر سخت است .

مردم آزادیخواه استکهلم!

کمتر از دو هفته به اجرای حکم اعدام کبرا باقی مانده است. کمیته بین المللی علیه اعدام در سراسر دنیا روز جمعه ۲۲ و شنبه ۲۳ سپتامبر

برای نجات کبرا رحمانپور بپا خیزید! " نجاتم دهید من از طناب دار وحشت دارم " کبرا رحمانپور

حیات و از حقوق انسانی دفاع کنید. با در دست گرفتن عکس محکومین به اعدام، با در دست گرفتن شعار محکومیت اعدام و قتل عمد دولتی، به جمهوری جنایت اسلامی نشان دهید که در مقابل این جنایات ساکت ننشسته و متحدانه به آن معترض هستید. کبرا رحمانپور را باید نجات دهیم.

را روز اعتراض عمومی به اعدام کبرا رحمانپور اعلام کرده است. به همین منظور در شهر استکهلم کمیته بین المللی علیه اعدام و سازمان آزادی زن به همراه هم آکسیون اعتراضی را در روز شنبه تدارک دیده اند. از همه شما دعوت می کنیم که به همراه ما به میدان بیایید و متحدانه با حضور خود ، از انسانیت و حق

آکسیون اعتراضی در شهر استکهلم
زمان : شنبه ۲۳ سپتامبر ساعت ۱۳
مکان : Mynttorge

کمیته بین المللی علیه اعدام

سازمان آزادی زن

۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶

تلفن تماس : ۰۷۰۳۶۱۰۲۷۹

سینا 18 ساله را از اعدام نجات دادیم

کبرا را هم باید نجات دهیم
سینا که ده روز قبل جشن تولد هیجده سالگی را در زندان اوین گرفته بود
سحرگاه امروز طناب دار بر گردنش انداخته شد اما اعدام نشد
گزارش لحظات کسب خبر تا کنون:

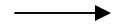
خبر را 19 سپتامبر 2006 از طریق سعید ویسی از شهر فرانکفورت آلمان شنیدیم. او گفت الان رادیو بی بی سی در مورد فردی به اسم زینا حرف زد که 18 ساله است و قرار است فردا اعدام شود. برنامه جام جهان نما ساعت 7 شب به وقت آلمان. ابتدا فکر کردم احتمال دارد این نازنین فاتحی باشد زیرا دیروز او

میگویم اول باید اسم او را پیدا کنیم و ببینیم وکیلش کیست؟ بعد از یکساعت آماده باش در کمیته بین المللی علیه اعدام، محمد آسنگران میگوید خبر را پیدا کرده ام. خبر دقیق اینست: سینا 18 ساله در اوین اعدام میشود. وکیل او نسرین ستوده در گفتگو با بی بی سی این خبر را گفته است. به وقت اروپا، ساعت 8 شب است و همه جا تعطیل. کار زیادی اینجا نمیتوان کرد اما در کانادا و آمریکا وقت اداری است. باید در آنجا کاری کرد. نازنین به فردی که در نشست قبلی من و خودش با کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، او را ملاقات کرده ایم زنگ میزند. میگوید که احمدی نژاد

میکرد میگفت، به دادم برسید، نمیدانم چرا او را برده اند. من و نازنین افشین جم، شب قبل مشغول این موضوع بودیم. و امشب خبر اعدام یک جوان 18ساله، برای ما کافی بود که فکر کنیم احتمالا نازنین را میخواهند اعدام کنند. به نازنین افشین جم زنگ زدیم و پیام گذاشتیم که "کار فوری دارم زنگ بزن"، لحظاتی بعد صدای نازنین از آنطرف خط میاید مینا چی شده؟ و تعریف میکنم. مجددا تلفن سعید ویسی را میگیرم و میگویم دقیق بگو چی شنیدی و او باز هر چه یادش مانده را تعریف میکند. با ایران تماس میگیریم کسی نمیداند این فرد که قرار است فردا ساعت 4 به دار آویخته شود کیست. با نازنین افشین جم حرف میزنم و به نازنین

را از زندان گوهر دشت به زندان اوین منتقل کرده بودند و من نگران او بودم. برای اطمینان به سعید ویسی زنگ زدیم که اسم دقیق را ببرسم. او گفت 18 ساله بوده اما اسمش را دقیق متوجه نشدم ولی اسمش با حرف " ز. یا س " شرح میشود. بار دیگر نگرانیم بیشتر شد. به خودم گفتم ، نازنین را دیروز از زندان گوهر دشت به اوین منتقل کرده اند و ساعت چهار بعد از ظهر بود که خانواده او به من زنگ زدند و نگران بودند. متوجه شدم نازنین زنگ زده و گفته مامان الان تعدادی مسلح آمده اند اینجا و به من میگویند وسایلت را جمع کن میبریمت اوین. طفلکی نازنین با وحشت و گریه گفته بود، شاید میبرند اعدام کنند و مادر که از شدت ناراحتی هق هق گریه





الان نیویورک است و باید به او اعتراض کنید. در عین حال با چند خبرنگار در سازمان ملل تماس میگیرید. من با دوستان خودمان در سوئد حرف میزنم. به تلفنهای اضطراری وزارت امور خارجه آلمان زنگ میزنم و هرچه که میتوانیم انجام میدهم. الان دیگر پنج ساعت به اعدام سینا مانده است. لحظه به لحظه با هر کسی که امکان کمک کردن دارد، تماس میگیریم. من و نازنین افشین جم اقداماتمان را چک میکنیم و قدم بعدی را برمیذاریم. همزمان من در یک جلسه هم شرکت دارم. در استراحت های وسط جلسه با نازنین کارها را چک میکنم. جلسه تمام میشود و الان فرصت کافی دارم که مفصل با نازنین صحبت کنم. ساعت دو شب به وقت اروپا است. نازنین میگوید شورای حقوق بشر سازمان ملل قول داده است که نامه فوری از نیویورک به ژنو بفرستد و اقدام فوری قرار است انجام بگیرد. نازنین در ادامه میگوید آخرین گفتگو با وکیل پرونده نشان میدهد که او خیلی نگران است و میگوید مگر این وقت شب، کسی با شاهرودی تماس بگیرد.

من و نازنین منتظر اقدامات شورای حقوق بشر سازمان ملل هستیم. صبح ساعت شش اینترنت را چک میکنم. با نگرانی و اضطراب دنبال خبر بودم، آیا سینا تا الان اعدام شده است؟ خبری نیست. تنها راه کسب خبر دقیق و فوری کسانی هستند که احتمالاً به محل اعدام رفته اند. یک

نفر که شاهد ماجرا بوده است گفت سینا اعدام نشده است! نماینده سازمان ملل در تهران نیمه شب با وکیلش تماس گرفته و پدر سینا نیمه شب به دفتر آنها در تهران رفته است. دوست ما میگوید: صبح ساعت 4 سینا را به میدان اعدام برده بودند. طناب دار را به گردنش انداختند و چهار پایه را زیر پایش گذاشتند، بعد از لحظاتی در حالی که قلب ما در حال تپش شدید بود دیدیم که طناب را از گردن سینا درآوردند و گفتند حکم اجرا نمیشود. ما همگی در شادی این لحظات غرق شدیم. او گفت البته یک خبر بد هم دارم. همین امروز وحید 18 ساله را اعدام کردند. به او گفتیم این یک فاجعه است. چرا زودتر به ما خبر نمیدهند. چرا دیروز حکم اعدام وحید بیچاره را به ما اطلاع ندادند؟ گفتیم خبر نداشتیم وگرنه اسم او را هم مطرح میکردیم شاید هم او نجات می یافت. متأسفانه خبر را بعد از اعدام به ما دادند. او از خانواده خیلی فقیری بوده است. امکان گرفتن وکیل نداشته است. خبرش جایی درز نکرده است. قبلاً خبر حکم اعدام او جایی علنی نشد و در خفا اعدامش کردند.

صبح روز چهارشنبه 20 سپتامبر است و من در حالیکه میدانم در کانادا نصف شب است به نازنین زنگ میزنم و میگویم که سینا نجات یافت. نازنین با هیجان و شادی از این خبر استقبال میکند. شاید غیر قابل باور باشد، ولی با یک مجموعه اقدامات اضطراری جان یک جوان 18 ساله نجات می یابد. به نازنین افشین جم و

به همه کسانی که با اقدامات خود کمک کردند سینا اعدام نشود درود میفرستم. این زیباترین احساس است که جان یک نفر را نجات دهی و امروز بخصوص جان یک جوان 18 ساله نجات یافت.

پیام ما به همه مردم اینست: لطفاً خبرها را بموقع به ما برسانید. با ما تماس بگیرید. شاید بتوانیم کاری بکنیم. تاکنون جان تعدادی را به کمک خود شما نجات داده ایم. بخصوص اگر قرار است جنایتکاران حاکم کودک و نوجوانی را اعدام کنند یک لحظه هم صبر نکنید مشخصات کامل را به ما بدهید ما به کمک خود شما، به کمک مردم آزادیخواه و انسان دوست، به کمک پدر و مادر آنها، به کمک اینهمه انسان نازنین و خوب همه تلاشمان را برای نجات آنها خواهیم کرد.

نجات سینا یک اقدام بسیار مهم بود. خبرگزاریها نوشتند چند ساعت دیگر سینا اعدام میشود. ما امیدوار بودیم که جلو اعدامش را بگیریم و گرفتیم. تازه جشن تولد هیجده سالگی اش در زندان برگزار شده بود. سینا را تا پای دار بردند و طناب دار به گردنش انداختند، اما ما طناب را از گردنش باز کردیم و اجازه ندادیم اعدامش کنند. با قدرت و امکانات مخالفین اعدام و نقش برجسته کمیته بین المللی علیه اعدام با همکاری نازنین افشین جم جمهوری اسلامی عقب نشست. اما این فقط قدم اولیه است. باید تلاش کرد مجازات اعدام لغو شود، همه احکام اعدامها و قانون قصاص لغو شود. باید تلاش کرد این

قوانین دوران توحش بشریت از جامعه انسانی امروز رخت بربندند. اما الان وقت تلاش و مبارزه برای نجات کبرا، شهلا، نازنین و فاطمه حقیقت پژوه و... است. روز یکشنبه خانواده های آنها فراخوان تجمع مقابل سازمان ملل داده اند. مردم باید به نیروی خود اعتماد کنند. سینا را در آخرین لحظات نجات دادیم. کبرا و بقیه را هم میتوانیم نجات دهیم. باید خفاشان حاکم را عقب برانیم. روز یکشنبه خانواده کبرا و فاطمه و نازنین را همراهی کنیم ساعت ۵ مقابل سازمان ملل در خیابان شریعتی بالاتر از حسینیه ارشاد، خیابان قبا، بلوار شهزاد شماره 39 یادتان نرود.

مینا احدی

رئیس کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۹ شهریور ۸۵

تلفن تماس: 00491775692413
Email: minaahadi@aol.com

لطفاً کمکهای خود را به این حساب
واریز کنید

Postbank- Germany
International
Kapmagner von
Frauenrechten e.v.
Konto: 856915469
BLZ: 44010046
IBAN: DE36 4401
00460 8569 15469
BIC: PBNKDEFF

این عزیزان ادامه خواهد داد. هیچکس نباید اعدام شود. نه کبری، نه نازنین، نه فاطمه و نه هیچ انسان دیگری. سازمان آزادی زن شما را فرامی خواند تا به باری این خانواده ها بشتابید و روز یکشنبه ۲ مهرماه ساعت ۵ بعدازظهر، (تهران) مقابل دفتر سازمان ملل - خیابان شریعتی بالاتر از حسینیه ارشاد خیابان قبا بلوار شهزاد شماره 39 جمع شویم تا یکبار دیگر فریاد اعتراض خود را علیه اجرای حکم اعدام این عزیزان به گوش مردم برسانیم. باید کبری را از چنگ رژیم آدمکشان اسلامی نجات دهیم.

برچیده باد بساط اعدام و سنگسار!
سازمان آزادی زن

روزهای پایانی زندگی خود هستند، یکشنبه در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران جمع میشویم. ما میخواهیم با صدای رسا بگویم عزیزان ما را اعدام نکنید. به باری ما بشتابید. این غیر قابل تصور است که عزیزترین فرد زندگیت، جگر گوشه ات، طناب دار بر گردنش آویزان کنند و از زندگی محروم کنند. این وحشتناک است. ما نمیخواهیم این روز را ببینیم. ما آزادی آنها را میخواهیم. به ما کمک کنید، عزیزانمان را نجات دهیم!"

مردم انساندوست

سازمان آزادی زن طی چند روز گذشته کمپین وسیعی را در دستور کار خود گذارده و اقامت جهانی خود را تا آزادی

خانواده هایی که خود قربانی فقر و نابرابری بوده و در تمام طول زندگی خود تحقیر و توهین را به جان خریده اند تا فرزندانشان قربانی توحش سرمایه نشوند، اکنون در فراخوانی که از طریق سایت www.save-kobra.blogfa.com منتشر شده، از همه مردم انساندوست تقاضای کمک کرده اند. به گوشه هایی از این فراخوان توجه کنید:

عزیزان ما را به اعدام محکوم کرده اند و قرار است به دار آویخته شوند. ما خانواده های محکومین به اعدام، هر لحظه، نگران شنیدن خبر اجرای حکم اعدام عزیزان خود هستیم. ما با در دست داشتن عکس این عزیزان که در انتظار

هیچ کس نباید اعدام شود!

به کمک خانواده های کبری

رحمانپور، نازنین فاتحی و فاطمه حقیقت پژوه بشتابیم

مردم آزادیخواه

سازمان آزادی زن با تمام قوا از کمپین خانواده های کبری رحمانپور، نازنین فاتحی و فاطمه حقیقت پژوه برای نجات عزیزانشان دفاع میکند. هیچ کس نباید اعدام شود. اعدام جنایت است. شنیع و ضد انسانی است. خطر اعدام بر بالای سر کبری و خانواده های زنان محکوم به اعدام سایه افکنده است. جمهوری اسلامی هر آن ممکن است دست به اعدام این قربانیان قوانین اسلامی بزند.

برای نجات جان کبری رحمانپور
" نجاتم دهید من از طناب دار
وحشت دارم"

مردم انسان دوست و آزادیخواه

به کمک کبری رحمان پور بشتابیم .
ایرانیان ساکن شهرگوتنبرگ سوئد!
به فراخوان کبری رحمانپور، کمپین
دفاع از حقوق زنان در ایران و

سازمان آزادی زن ، پاسخ مثبت
دهید و در آکسیون اعتراضی که به
همین مناسبت در شهر گوتنبرگ
برگزار می شود شرکت کنید.
هیچکس نباید اعدام شود. نه کبری
رحمان پور و نه شهلا جاهد و نه هیچ
انسان دیگری. بیایید تا با هم علیه
سران جنایتکار جمهوری اسلامی
صدای اعتراضمان را بلند کنیم.

سازمان آزادی زن شما را فرامی
خواند تا در کنار هم یکبار دیگر فریاد
اعتراض خود را علیه اجرای حکم
اعدام کبری رحمانپور به گوش مردم
سوئد برسانیم و از آنها بخواهیم که
دولت خود را به خاطر سکوت علیه
این همه جنایت در ایران تحت فشار
قرار دهند.

مکان: Brunsparken
زمان: جمعه 22 سپتامبر 2006
ساعت: 16:30 تا 18
برای اطلاعات بیشتر با شهلا نوری
تماس بگیرید 0737262622
برچیده باد بساط اعدام و سنگسار!
مرگ بر آپارتاید جنسی
سازمان آزادی زن

کمک کنید عزیزان ما از اعدام
نجات یابند!

هموعان، مردم انساندوست

عزیزان ما را به اعدام محکوم کرده
اند و قرار است به دار آویخته شوند.
ما خانواده های محکومین به اعدام،
هر لحظه، نگران شنیدن خبر اجرای
حکم اعدام عزیزان خود هستیم.
عزیزان ما قربانی فقر هستند. قربانی
نابرابری و تحقیر و توهین روزمره
هستند. قربانی قوانین ناعادلانه هستند.
اگر شرایط زندگی آنها اینچنین دشوار و
غیرقابل تحمل نبود امروز هرکدام در
دانشگاه مشغول تحصیل بودند و یا در
کارخانه ای، در اداره ای، جایی مشغول

کار بودند. شرایط دشوار زندگی آنها
را به این روز انداخته است. این
شرایط است که باید محکوم شود. این
فقر و نابرابری است که باید محکوم
شود. به فقر و نابرابری باید پایان
داده شود و نه به زندگی عزیزان ما.
این عدالت نیست که قربانیان این
شرایط اینچنین بیرحمانه به زندان
بافتند و به چوبه دار آویخته شوند.
ما با در دست داشتن عکس این
عزیزان که در انتظار روزهای
پایانی زندگی خود هستند، یکشنبه در
مقابل دفتر سازمان ملل در تهران
جمع میشویم. ما میخواهیم با صدای
رسا بگوییم عزیزان ما را اعدام

نکنید. به یاری ما بشتابید. این غیر
قابل تصور است که عزیزترین فرد
زندگیت، جگر گوشه ات، طناب دار
بر گردنش آویزان کنند و از زندگی
محروم کنند. این وحشتناک است. ما
نمیخواهیم این روز را ببینیم. ما
آزادی آنها را میخواهیم.
به ما کمک کنید ، عزیزانمان را
نجات دهیم!
روز یکشنبه ۲ مهرماه ساعت ۵
بعدازظهر، مقابل دفتر سازمان ملل -
خیابان قائم مقام فراهانی نرسیده به
خیابان بهشتی جمع میشویم و از همه
شما میخواهیم به ما بپیوندید و ما را
یاری دهید.

خانواده کبرا رحمانپور
خانواده نازنین فاتحی
خانواده فاطمه حقیقت پژوه
باز تکثیر از کمپین برای نجات
جان کبرا
www.Save-kobra.blogfa.com
campagne.kobra@gmail.com
27 شهریور 1385

نامه دایی لاله سحرخیزان خطاب
به مردم!

ما چشم در برابر چشم نمیخواهیم
میگویند: شهلا جاهد دختر خواهرم
را کشته است. میگویند: شهلا جاهد
دوست دختر ناصر محمد خانی بوده
است

میگویند: شهلا جاهد از روی اجبار
به قتل لاله اعتراف کرده است.

به خواهرم تلقین شده است که
دخترش را شهلا جاهد کشته است.
او داغدار است. پسران لاله در
مقابل جسمانش قرار دارند. از چنین
شخصی و در چنین شرایطی دشوار،
به سختی میتوان انتظار قضاوتی
درست را داشت.

اگر شهلا جاهد این عمل شنیع را
مرتکب شده باشد و یا به احتمال
قزیب به یقین از روی عشق و علاقه
شخصی به ناصر محمد خانی این
قتل را به گردن گرفته باشد، در
ماهیت قضیه تفاوتی ایجاد نمیکند. در
هر حال ما خانواده لاله نباید خواهان
قصاص شهلا جاهد باشیم. ما چشم در
برابر چشم نمیخواهیم. باجنایت

نمیتوان جنایت را ریشه کن کرد.
اعدام شهلا جاهد نه مشکلی را برای
ما خانواده لاله بر طرف میکند و
نه هیچ مصونیتی برای جامعه در
برابر اینگونه اعمال به ارمغان
میاورد. تنها نتیجه این رفتار، رشد
جنایت و آسان شدن کشتن انسانها
است.

شهلا جاهد دارد تاوان عشق به یک
مرد را پس میدهد. آیا این همه
زندان و شکنجه روحی که تا کنون
متحمل شده است برای یک دوست
داشتن لازم بود؟ آیا ما باید شاهد
اعدام او هم باشیم و یک انسان دیگر
نابود شود. این چه سیستم و فرهنگی
است که با انسانها چنین میکند؟

من به عنوان یک انسان از کشتن
هر انسانی متنفرم. خبر کشتن هر
انسانی چه با قتل ناخواسته و چه با
اتکا به قوانین عهد عتیق تنم را
میلرزاند. مو بر بدنم سیخ میشود و
به این قانون و فرهنگ تف میندازم.
هم من و هم خواهرم، یعنی مادر
لاله، خواهان مرگ و اعدام
هیچکس نیستیم. ما در قرون وسطی
زندگی نمیکیم. مادر دنیایی متمدن

و مدرن در قرن 21 زندگی میکنیم.
احکامی چون قصاص و اعدام
مربوط به دوره جاهلیت بشر میباشد.
بارها و بارها ثابت شده است، اجرای
این قوانین نتایج عکس آنچه
مجرینانش ادعا میکنند را داشته است.
در ایران اینها برای ایجاد وحشت و
ترس از حکومت البته خیلی هم موثر
بوده است.

برای من تصور لحظاتی که لاله
عزیز ما، به قتل رسیده، یک شوک
و یک زخم عمیق است. ولی من
آنسوی ماجرا را هم می بینم. هنوز
اصلا معلوم نشده موضوع چه بوده و
چه کسی قاتل است. و حتی اگر شهلا
قاتل باشد، من علاقمندم، شرایطی که
او را به اینجا کشانده، نیز دقیقاً
موشکافی شود. او یک انسان و یک
زن است که در ایران زندگی کرده و
بطور قطع هزاران مشکل داشته
است. شاید در یک فیلم بتوان زندگی
کبرا رحمانپورها، شهلا جاهاها و
نازنین فاتحی ها را نشان داد و در آن
فیلم نفرت از فقر، نابرابری، زن
ستیزی و سیستم را جایگزین نفرت
از قربانیان و یا قتل قربانیان کرد.

شهلا جاهد و کبری رحمانپور و
امثالهم قربانیان این جامعه بیرحم و
نا برابر هستند. متأسفانه زنان تابع
علت ها و ناهنجاری های جامعه ای
هستند، که به صرف زن بودنشان
مجرم شناخته میشوند. من بعنوان
دایی لاله سحرخیزان و عضوی از
خانواده وی نه تنها خواهان اعدام و
قصاص شهلا جاهد نیستم، بلکه
متقاضی آزادی فوری وی و از بین
رفتن این قوانین عصر جاهلیت هستم.

شاپور بارکی زاده (دایی لاله
سحرخیزان)
26 شهریور 1385



یک اتحادیه کارگری در استرالیا در نامه ای به مقامات جمهوری اسلامی خواهان لغو حکم اعدام کبرا رحمانپور و پایان دادن به شلاق و سنگسار و سرکوب زنان شد

به دنبال تماس ارسال ناظری از فعالین حزب کمونیست کارگری با اتحادیه کارگران ساختمان، جنگل، معدن و انرژی استرالیا، رئیس این اتحادیه آقای اندرو فرگوسن طی نامه ای به سفیر جمهوری اسلامی در استرالیا از او خواسته است که مخالفت این اتحادیه را به حکم اعدام کبرا، اختناق، آپارتاید جنسی و بربریت نسبت به زنان اطلاع دهد.

آندرو فرگوسن از جمهوری اسلامی بطور مشخص و قاطعانه خواسته است تا حکم اعدام کبرا لغو شود، مجازات اعلام پایان داده شود، شلاق و سنگسار متوقف شود و کنوانسیون حقوق بشر و حقوق فردی و اجتماعی زنان مراعات شود.

حزب کمونیست کارگری از همه سازمانهای کارگری، سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان و از همه انسانهای آزادیخواه میخواهد از این مطالبات حمایت کنند و جمهوری اسلامی را با نامه های اعتراضی خود و هر اقدام دیگری که میتوانند انجام دهند تحت فشار قرار دهند.

مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶، ۲۸ شهریور ۱۳۸۵

متن ترجمه شدن نامه آندرو فرگوسن دبیر اتحادیه ساختمان، جنگل، معدن و انرژی استرالیا ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶ عالیجناب دکتر حمید ابوطالبی سفیر جمهوری اسلامی ایران من این نامه را به شما می نویسم که از شما بخواهم تا مخالفت شدید مرا در قبال موضوعات زیر به دولتتان انتقال دهید:

حکم اعدام که برای زن ایرانی کبرا رحمانپور صادر شده است دولت دیکتاتور ایران که با اختناق به مردم ایران حکم می راند رژیم آپارتاید جنسی ایران و اعمال بربریتش در قبال زنان من درخواستهای زیر را مطالبه می کنم:
ابطال فوری حکم اعدام کبرا
پایان فوری مجازات اعدام
توقف شلاق و سنگسار زنان
توقف اذیت و آزار سیستماتیک زنان در ایران
اجرای کنوانسیون حقوق بشر و قبول حقوق فردی و اجتماعی زنان

هاله سیاه مرگ بر روی ماه

کبری رحمانپور، گل نوشکفته ای است که گلبرگهای عمرش در انتظار پرپر شدن به دست طوفان سرنوشت، لحظات جانگزا و پر آشوبی را در محبس تاریکی از سر می گذراند. کبری دختر جوانی است مانند هزاران دختر دیگر با رویاهای زیبا و آرزوهای بی شمار، اما قربانی ناحق سرنوشتی شوم و وحشت انگیز. دختری که در طول زندگی غمبار خود در دامان فقر، طعم تلخ نابرابری اجتماعی را چشیده و سالهای عمر کودکی خود را با پروراندن آرزوهای مشابه دیگر همسالان خود اما دست نیافتنی، یکی یکی پشت سر نهاده و در اوج جوانی به اکراه و تنها برای نجات یافتن از فقری که سالها گریبانگیر او و خانواده اش بوده در جستجوی رفاهی اندک و در آغوش کشیدن آرامش، در ظاهر به همسری و در حقیقت به مالکیت مردی در میآید که سالها از او مسن تر بوده و کاملا بی شباهت به شاهزاده رویاهای کودکی اش. مردی که به او نه به چشم همسر محبوب، بلکه همواره به عنوان برده ای خریداری شده جهت کنیزی و سواستفاده جنسی نگریسته است. کبری در این مدت در خانه غریبه ای با نام شوهر زیر تازیانه مصائب، رنجها و تحقیرها، دچار آسیبهای روانی گشته و به استعمال داروهای روانی ناچار شده است. پس از مدتی که دیگر گل شادابی وجود کبری پژمرده گشته و وجود بیمار و خسته او برای آن مرد شادی و لذتی در بر ندارد، از تحمل او به تنگ آمده و همچون وجود بی ارزشی او را از خانه بیرون می کند. در حالی که کبری بی پناه تنها و تنها برای احقاق حق خود به آن خانه باز می گردد، آن

فاجعه شوم رخ می دهد. اکنون هفت سال است که وی در لحظه، لحظه شکنجه های انتظار مرگ، چشم امید به انسانهای همدلی دوخته که در بخشیدن بالهای رهایی به او دست در دست یکدیگر نهاده تا گوهر امنیت و فردایی درخشان را برایش به ارمغان آورند. من که دختری تقریبا همسن کبری هستم، این مساله ذهنم را به خود مشغول نمود: آیا این امکان وجود نداشت که من یا میلیونها دختر دیگر در شرایط کبری به سرنوشت او دچار گردیم؟ راستی چه دلایلی سرنوشت غم انگیز کبری را رغم زد و چه کسانی در این مورد مقصر بوده اند؟ آیا مقصر اصلی جامعه ای نیست که در آن فقر و اختلاف فاحش طبقاتی کبری و کبراهای دیگری را می آفریند؟ چگونه میتوان نجات بخش چنین جامعه ای بود؟ آیا بهتر نیست به جای اعدام کبری و امثال او، به بررسی دلایل اینگونه رخدادها پرداخت؟ آیا ریشه همه جرایم و فسادها در این جامعه، فرهنگ، سنت و فقر حاکم بر آن نمی باشد؟ چه افرادی مسئول ایجاد چنین جامعه ای هستند؟ آیا نباید به جای محکومین به اعدام، شکنجه و زندان، آنان را مقصر و متهم اصلی شناخت؟ دختری که اگر در شرایط دیگری پرورش می یافت می توانست حد اقل زنی مفید برای جامعه و همسری مهربان و مادری فداکار باشد، اکنون همه تقصیرهای حکومت، جامعه و خانواده را به کرده می کشد و انتظار اجرای حکمی نا عادلانه، زره زره شربت وجودش را می نوشد

نگذاریم کبری رحمانپور را اعدام کنند!

برای لغو حکم اعدام کبری رحمانپور، برای برچیدن احکام اعدام و سنگسار و در حمایت از فراخوان تظاهراتی که توسط خانواده کبری رحمانپور در تهران داده شده است، از شما تقاضا داریم که در اجتماع سراسری روز شنبه ۲۳ سپتامبر ساعت یک بعدازظهر در مقابل کتابخانه، خیابان لاندل و چهاردهم، در نورت و نکورور برگزار میشود شرکت کنید!

سخنرانان:

- ۱- نازنین افشین جم
- ۲- فهیمه صادقی
- ۳- زری اصلي

Campaign: www.helpnazanin.com

Campaign: www.save-kobra.blogfa.com

www.azadizan.com

سازمان آزادی زن